

بورژوازی ایران و اسرائیل: متحدان در قتل عام زندانیان



تسخیر زندان اوین بهمن ۱۳۵۷

صدای انترناسیونالیستی

در دوم تیر ۱۴۰۴، جنگ طلبان اسرائیلی محوطه‌ی ورودی زندان اوین را بمباران کردند. در پی این حمله، دست کم ۷۹ نفر تا لحظه نگارش این مقاله، از جمله زندانیان، خانواده‌هایی که برای ملاقات یا پیگیری پرونده‌های قضایی به زندان مراجعه کرده بودند، ساکنان اطراف، کارکنان اداری، و سربازان وظیفه جان باختند و شمار زیادی نیز مجروح شدند. این حمله در زمان ساعات ملاقات انجام شد، که خود باعث افزایش چشمگیر شمار قربانیان شد. کوچک‌ترین قربانی این جنایت، کودکی پنج‌ساله بود.

در زمان رژیم پهلوی که در آن زمان متحد اصلی دموکراسی‌های غربی در منطقه به شمار می‌رفت، تصمیم گرفت با افزایش شمار زندانیان سیاسی و ناکارآمدی ساختاری زندان‌های قصر و قزل‌قلعه، زندانی «مدرن‌تر» و در مکانی دور از بافت شهری احداث کند. هدف از این اقدام، فراهم آوردن امکان کنترل امنیتی بیشتر و توسعه فضای بازجویی بود. زندان اوین در سال ۱۳۵۱ خورشیدی، تحت نظارت سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) آغاز به کار کرد؛ نهادی که با آموزش و حمایت مستقیم سازمان سیا، موساد و «سیدس»^۱ شکل گرفته بود. اوین در ابتدای تأسیس، عمدتاً برای نگهداری زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

^۱ سیدس مخفف «سرویس اطلاعات خارجی و ضدجاسوسی فرانسه» است. این سازمان نقش مهمی در آموزش و حمایت از ساواک رژیم شاهنشاهی ایفا کرد. همکاری میان آن‌ها شامل انتقال تجربیات تخصصی در زمینه عملیات اطلاعاتی، تکنیک‌های بازجویی، سرکوب اعتراضات و جاسوسی علیه مخالفان سیاسی بود. آموزش‌های فنی و راهبردی سیدس به ساواک کمک کرد تا ساختار و عملکرد خود را تقویت کرده و به ابزاری کارآمد برای کنترل داخلی و مقابله با مخالفان تبدیل شود.

اوین تنها یک زندان نیست؛ نماد سرکوب سازمان یافته و تجسم هولناک ترین و مخوف ترین جلوه‌ی قدرت سرکوبگر است. در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰، نام اوین آن چنان با شکنجه، بازجویی و مرگ گره خورده بود که شنیدن آن، لرزه بر اندام می‌انداخت. همان طور که خاوران تنها یک گورستان دسته‌جمعی نیست، بلکه به نمادی از تمام گورهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی تبدیل شده است، اوین نیز بازتاب خشن ترین چهره‌ی ماشین سرکوب به شمار می‌آید.

بورژوازی شاهنشاهی، با تکیه بر حمایت بی‌قید و شرط دموکراسی‌های غربی، ماشین سرکوبی را بنیان نهاد که با آموزش‌های سیا، موساد و «سِدِس»، به ابزاری برای درهم شکستن جسم و روح، تحقیر و تسلیم انسان‌هایی بدل شد که در برابر نظم حاکم ایستاده بودند. اما این پایان ماجرا نبود. جمهوری اسلامی، این وارث کثیف سلطنت، نه تنها اوین را حفظ کرد، بلکه با وقاحتی دوچندان، بر شدت خشونت و خفقان افزود. ماشین شکنجه‌ای که بورژوازی شاهنشاهی بنیان گذاشته بود، در دست بورژوازی اسلامی به اوج ظرفیت سرکوب گرانه‌اش رسید.

امروز، بورژوازی جنایتکار اسرائیل نیز سهم خود را ایفا کرده است. با بمباران محوطه‌ی زندان اوین و پرتاب موشک‌هایی که بی‌رحمانه جان زندانیان، خانواده‌ها، سربازان و وظیفه و دیگر حاضران را گرفتند، نشان داد که در پس تفاوت‌های ایدئولوژیک، آن چه مشترک است، رویکرد واحد بورژوازی در سرکوب، خشونت و جنایت علیه بشریت است.

اوین فقط دیوار، سیم خاردار، بتن و برج دیده‌بانی نیست؛ تنها یک زندان نیست. «اوین» نامی است که با شنیدنش، صدای شلاق و فریاد در گوش طنین می‌افکند، و در برابر چشم،

پاهای زخمی، بدن‌های کبود و کتف‌های دررفته جان می‌گیرند. اوین را نمی‌توان با واژه‌ها توصیف کرد. آن‌جا انسان نه تنها از نظر فیزیکی خرد می‌شد، بلکه باید از درون هم می‌شکست؛ باید از حرمت، از شرافت، از انسان بودن تهی می‌شد. در اوین، زندانی را تا جایی می‌رساندند که خود را انکار کند؛ تبدیل به موجودی تحقیرشده، خاموش و فراموش شده شود. اوین جایی بود که معنای «بازی» برای کودکانی که همراه مادرشان در زندان بودند، باندپیچی پاهای مادرشان بود.

برای چپ‌گرایان، همه‌چیز در خدمت اهداف تبلیغاتی علیه دیکتاتوری قرار دارد؛ و به نظر می‌رسد بورژوازی کثیف اسلامی نیز زمینه‌های این تبلیغات را برایشان مهیا می‌کند. آن‌ها مدعی‌اند که شواهدی از آزار نسل‌کشی در سال ۱۳۶۷ وجود دارد. اما تمامی این اظهارات به ظاهر رادیکال، در عمل چیزی نیستند جز تلاشی برای لوث کردن، کم‌اهمیت جلوه دادن، و مخدوش کردن حافظه‌ی تاریخی مربوط به نسل‌کشی سال ۱۳۶۷ است.

بورژوازی جنایتکار اسلامی، حتی اگر امروز بتواند صدها نفر را اعدام کند، که در شرایط کنونی چنین چیزی عملاً ممکن نیست، باز هم قادر به تکرار نسل‌کشی سال ۱۳۶۷ نخواهد بود. هرچند ماجراجویی سازمان مجاهدین خلق در آن زمان به این روند شتاب بخشید، اما بورژوازی جنایت‌کار از پیش تصمیم گرفته بود، به عنوان بخشی از روند تثبیت قدرت خود، از شر نسلی خلاص شود که زندانیان سیاسی آن دوره نمایندگانش بودند.

زندان‌هایی که در نسل‌کشی سال ۱۳۶۷ قتل‌عام شدند، متعلق به نسلی خاص از زندانیان سیاسی بودند. هدف تنها حذف فیزیکی آن‌ها نبود، بلکه نابودی نسلی بود که حوادث بهمن‌ماه را

تجربه کرده و عمیقاً سیاسی و آرمان‌خواه بودند؛ فارغ از اینکه از نظر طبقاتی، از مواضع و منافع کدام طبقه اجتماعی دفاع می‌کردند. زندانیان امروز نه از نظر تعداد قابل قیاس با سال ۱۳۶۷ هستند، نه ساختار و بافت سیاسی آن دوره را دارند، و نه حامل همان تجربه تاریخی هستند.

بورژوازی در کشورهای دیکتاتوری، از جمله بورژوازی جنایت‌کار ایران، نه تنها پشتیبان استبداد، بلکه تجسم عینی آن است و به‌روشنی نشان‌دهنده ماهیت این رژیم‌ها است. در آمریکا، بورژوازی آشکارا به زبان راهزنان سخن می‌گوید؛ تا آن جا که رئیس‌جمهور این کشور در پخش زنده تلویزیونی، از واژه‌های رکیک و زننده (مانند ف***) استفاده می‌کند. اما بورژوازی اروپایی^۲ از این هم بی‌شرم‌تر، کثیف‌تر و فریب‌کارتر است؛ آن‌ها از تمدن، فرهنگ، حقوق بشر و حرمت انسانی دم می‌زنند، در حالی که هم‌زمان با پنبه سر می‌برند.

^۲ فریدریش مرز، صدر اعظم آلمان معتقد است که «اسرائیل کار کثیف را برای همه ما انجام می‌دهد». احتمالاً فریدریش مرز آرزو دارد کارهای کثیف و ناتمام پدرزرگش را، نه با پوششی نازیستی، بلکه با نقاب ایدئولوژیک دموکراسی به سرانجام برساند. پدرزرگ او، یوزف پل سَویگنی، عضو حزب نازی و شهردار شهر برلین از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۷ بود. پس از به قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳، سَویگنی به گروه ضربت نازی‌ها پیوست و به عنوان افسر دسته (Oberscharführer) در این گروه خدمت می‌کرد. او همچنین در تغییر نام خیابان‌های برلین به اسامی چون «Adolf-Hitler-Straße» و «Hermann-Göring-Straße» نقش داشت. [منبع](#).

کمونیست‌های چپ اعلام کرده‌اند که دموکراسی‌های غربی نیز در نسل‌کشی آشویتس شریک بوده‌اند، و ما نیز در مقاله‌ای^۳ نشان دادیم که تمامی کشورها، از جمله دموکراسی‌های غربی، در نسل‌کشی غزه سهیم هستند. اکنون نیز با صراحت اعلام می‌کنیم: تمام دموکراسی‌های غربی، با حمایت از اسرائیل، در این جنایت علیه بشریت شریک هستند یا به قول صدراعظم آلمان، «اسرائیل کار کثیف را برای همه ما انجام می‌دهد»، یا به عبارتی دقیق‌تر، این کار کثیف را به جای همه‌ی آن‌ها انجام می‌دهد. این جنایتکاران، این متمدن‌های بربر، در برابر چنین جنایتی سکوت کرده‌اند و خفه شده‌اند.

ظاهراً نهادهای بورژوایی، مانند عفو بین‌الملل و لانه‌ی دزدان (سازمان ملل) این حملات را صرفاً روی کاغذ محکوم کرده‌اند؛ محکومیتی نمایشی که تنها برای حفظ ظاهر دموکراتیک این نهادها است و هیچ اثر عملی ندارد. نباید حتی ذره‌ای توهم نسبت به نهادهای بورژوایی، از جمله عفو بین‌الملل، سازمان ملل، دموکراسی‌های غربی یا دموکراسی بورژوایی داشت. دموکراسی بورژوایی و دیکتاتوری بورژوایی دو روی یک سکه‌اند: توحش سرمایه‌داری.

حوادث قهرمانانه‌ی بهمن ۱۳۵۷ به روشنی نشان داد که تنها جنبش طبقاتی کارگران است که توانایی مقابله‌ی واقعی با دستگاه سرکوب را دارد. در جریان اعتراضات گسترده‌ی کارگری و توده‌ای سال ۱۳۵۷ بود که رژیم شاهنشاهی، زیر فشار اعتراضات، ناچار شد زندانیان سیاسی را گروه‌گروه آزاد کند. زندان اوین نیز در بهمن ۱۳۵۷ برای مدتی کوتاه

^۳ نسل‌کشی در غزه، محصول توحش سازمان‌یافته سرمایه‌داری جهانی

به دست مردم افتاد و از وجود شکنجه‌گران و مأموران سرکوب پاک‌سازی شد. اما با فروکش کردن مبارزه‌ی طبقاتی و استقرار کامل حاکمیت ننگین بورژوازی اسلامی، بار دیگر دار و درفش برپا شد و اوین، مخوف‌تر از گذشته، به کار خود ادامه داد.

نه از مسیر توسل به نهادهای دموکراتیک بورژوایی، بلکه تنها از راه مبارزه‌ی طبقاتی است که می‌توان نه تنها دستگاه سرکوب را به چالش کشید و در هم کوبید، و همچون سال ۱۳۵۷ زمینه‌ی آزادی زندانیان سیاسی را فراهم کرد، بلکه طرح‌های جنایت کارانه و کثیف بورژوازی اسرائیل را نیز نقش بر آب ساخت.

گرچه در شرایط کنونی، به‌ویژه در سایه‌ی وضعیت جنگی، اعتراضات و اعتصابات کارگری در جغرافیای ایران به طور موقت فروکش کرده‌اند، اما این آرامش، ناپایدار و شکننده است. به زودی بار دیگر شاهد خیزش‌های کارگری خواهیم بود؛ خیزش‌هایی که تیغ تیز اعتراض‌شان متوجه کلیت نظم سرمایه‌داری و تمامی جناح‌های بورژوازی خواهد بود، از ایران تا اسرائیل، به‌ویژه در شرایطی که موج اعتراضات توده‌ای در اروپا و آمریکا نیز همچنان در جریان است، اعتراضات آینده کارگری با اهمیت خواهد بود.

از تهران تا تل‌آویو، از واشنگتن تا برلین: علیه جنایت کاران جنگی!

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

م جهانگیری

۱۰ تیر ۱۴۰۴

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (تویتر سابق):

https://twitter.com/int_voice

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !

بدون بزرگشیدن سرمایه‌داری نمیتوان
جمهوری اسلامی را به محاکمه کشید



گور دسته جمعی خاوران

صدای انترناسیونالیستی

علیه جنگ ارتجاعی
علیه توحش سرمایه‌داری
کارگران وطن ندارند!



تسور بالا اسرائیل و تسور پایین غزه

صدای انترناسیونالیستی

انتخاب سرنوشت‌ساز:
نه دموکراسی یا فاشیسم،
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی

تمامی دولت‌ها
جنایتکاران جنگی هستند!



صدای انترناسیونالیستی